




# The impact of Students' Cognitive Capabilities on the Forming Entrepreneurial Intention: The Moderating Role of Attention-Deficit / Hyperactivity Disorder

Nasim Cheraghi Taghvesani<sup>1</sup> | Zeynab Aeeni<sup>2✉</sup>

1. Department of Business Administration, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email. E-mail: nasimcheraghi19@gmail.com
2. Corresponding Author, Department of Business Administration, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: z.aeeni@uok.ac.ir

| Article Info  | ABSTRACT  |
|---|---|
| <p><b>Article type:</b><br/>Research Article</p> <p><b>Article history:</b><br/>Received:<br/>20. 04. 2025<br/>Revised:<br/>28. 05. 2025<br/>Accepted:<br/>31. 05. 2025</p> <p><b>Keywords:</b><br/>Intention,<br/>Self-Efficacy,<br/>Alertness,<br/>Risk-Taking,<br/>ADHD.</p> | <p><b>Introduction:</b> In recent years, the role of mental health in shaping the quality of entrepreneurial decisions and behaviors has garnered increasing scholarly attention. This study investigates the impact of cognitive abilities on entrepreneurial intention, with a specific focus on the moderating role of Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder (ADHD) among university students.</p> <p><b>Methodology:</b> This research is applied in purpose, employs a survey-descriptive method for data collection, and is quantitative in nature. The statistical population comprises all students enrolled in bachelor's, master's, and doctoral programs at the Faculty of Engineering, University of Kurdistan, in 2024 (N = 3500). A sample of 346 students was determined using the Morgan table. Data were collected using a standard questionnaire developed by international entrepreneurship scholars. The reliability of the instrument was confirmed with a Cronbach's alpha coefficient of 0.84. Data analysis was conducted using structural equation modeling (SEM) via SmartPLS and SPSS.</p> <p><b>Findings:</b> The results indicate that specific cognitive capabilities -namely, entrepreneurial self-efficacy, entrepreneurial alertness, and risk-taking -have a significant positive effect on students' entrepreneurial intention. Furthermore, the analysis revealed that ADHD moderates the relationship between these entrepreneurial capabilities and entrepreneurial intention. Notably, ADHD was found to strengthen the influence of all three cognitive capabilities on entrepreneurial intention. A key finding that distinguishes this study from prior research is the reinforcing effect of ADHD on the relationship between self-efficacy and entrepreneurial intention. This suggests that, under similar conditions, students with ADHD may leverage their self-efficacy more effectively to form entrepreneurial intentions compared to their peers without the disorder.</p> <p><b>Conclusions / Implications:</b> The findings of this study provide a foundation for designing and revising entrepreneurship education programs, particularly for individuals with ADHD from childhood and adolescence. Targeted educational interventions can help mitigate potential discrimination against individuals exhibiting symptoms of this disorder. By harnessing specific ADHD-related traits -such as passion, creativity, and risk-taking- through appropriate education, their potential can be channeled toward entrepreneurship and business development. Furthermore, such individuals, equipped with suitable training, can contribute their creativity and ingenuity to organizational settings, thereby fostering corporate entrepreneurship.</p> |
| <p><b>Cite this article:</b></p>  | <p>Cheraghi Taghvesani, N., &amp; Aeeni, Z. (2025). The impact of Students' Cognitive Capabilities on the Forming Entrepreneurial Intention: The Moderating Role of Attention-Deficit / Hyperactivity Disorder. <i>Journal of Entrepreneurship Research</i>, 4 (4), 81-100.<br/>DOI: <a href="https://doi.org/10.22034/jer.2025.2058352.1292">https://doi.org/10.22034/jer.2025.2058352.1292</a></p>  |
|    | <p>© The Author(s). <span style="float: right;"><b>Publisher:</b> Ilam University Press.</span></p>   |

## تأثیر قابلیت‌های شناختی دانشجویان در شکل‌گیری قصد کارآفرینانه:

### نقش تعدیل‌گر اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی

نسیم چراغی طاقوسانی<sup>۱</sup> | زینب آیینی<sup>۲</sup> ✉

۱. گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: nasimcheraghi19@gmail.com  
۲. نویسنده مسئول، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: z.aeeni@uok.ac.ir

#### چکیده

#### اطلاعات مقاله

**مقدمه:** در سال‌های اخیر سلامت روان و نقش آن در کیفیت تصمیمات و رفتارهای کارآفرینان توجه روزافزونی را به خود اختصاص داده است. در همین راستا، این پژوهش به بررسی تأثیر قابلیت‌های شناختی در شکل‌گیری قصد کارآفرینانه با تأکید بر نقش تعدیل‌گر اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی در میان دانشجویان پرداخته است.

**روش‌شناسی:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، بر مبنای روش گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی و از نظر ماهیت داده‌ها کمی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان در حال تحصیل در دانشکده مهندسی دانشگاه کردستان در سه مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا را در بر می‌گیرد. از آنجا که تعداد این دانشجویان در سال ۱۴۰۳ شامل ۳۵۰۰ دانشجو بوده است، حجم نمونه آماری بر اساس جدول مورگان، ۳۴۶ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به شکل در دسترس انجام گرفت و برای گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش از پرسشنامه استاندارد استفاده گردید و پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۴) تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس روش مدل‌سازی معادلات ساختاری بوده است و کلیه محاسبات آماری در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS، SmartPLS انجام گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج نشان دهنده این بود که قابلیت‌های شناختی (خودباوری، هوشیاری و ریسک‌پذیری) بر قصد کارآفرینانه دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. در ارتباط با مؤلفه سلامت روان، نتایج تحلیل داده‌ها حاکی از آن بوده است که اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی می‌تواند ارتباط قابلیت‌های شناختی و قصد کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، این اختلال می‌تواند موجب تقویت ارتباط قابلیت‌های شناختی سه‌گانه خودباوری، هوشیاری و ریسک‌پذیری و قصد کارآفرینانه شود. یافته متفاوت پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های پیشین تأثیر تقویت‌کننده اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی بر ارتباط خودباوری و قصد کارآفرینانه بوده است. به این ترتیب در شرایط مشابه، دانشجویان دارای این اختلال در مقایسه با هم‌تایان فاقد این اختلال، بهتر از خودباوری خود در جهت قصد کارآفرینانه بهره خواهند گرفت.

**نتیجه‌گیری / دستاوردها:** نتایج پژوهش حاضر می‌تواند زمینه طراحی و بازنگری در آموزش‌های کارآفرینی را برای افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی به‌ویژه از دوران کودکی و نوجوانی فراهم آورد. به‌طوری‌که آموزش متناسب می‌تواند زمینه کاهش تبعیض علیه افراد مبتلا به علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی را ممکن سازد. برخی خصیصه‌های افراد مبتلا به این اختلال همچون اشتیاق، خلاقیت و ریسک‌پذیری با اتکا به آموزش درست، می‌تواند در مسیر کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکار به‌کار گرفته شود. همچنین، این افراد به‌واسطه آموزش متناسب می‌توانند از خلاقیت و نبوغ خود در جهت کارآفرینی سازمانی بهره‌گیرند.

#### نوع مقاله:

مقاله علمی- پژوهشی

#### تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۳۰

#### تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۳/۰۸

#### تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۱۱

#### کلیدواژه‌ها:

قصد کارآفرینانه،  
خودباوری،  
هوشیاری،  
ریسک‌پذیری،  
اختلال کم‌توجهی/بیش‌فعالی.

**استناد:** چراغی طاقوسانی، نسیم. و آیینی، زینب. (۱۴۰۴). تأثیر قابلیت‌های شناختی دانشجویان در شکل‌گیری قصد کارآفرینانه: نقش تعدیل‌گر اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی. *مجله پژوهش‌های کارآفرینی*، ۴ (۴)، ۱۰۰-۸۱.

DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2025.2058352.1292>

ناشر: انتشارات دانشگاه ایلام

© نویسندگان.



## مقدمه

امروزه کارآفرینی محرک اصلی رشد اقتصادی است و توسعه آن به چالشی اولویت‌دار برای اکثر کشورها بدل شده است. این مفهوم نه تنها به راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید اشاره دارد، بلکه نوآوری، حل مسائل اجتماعی و ایجاد ارزش‌های پایدار را نیز در بر می‌گیرد (Shen et al., 2025). شواهد تحقیقاتی حاکی از آنند که رفتار کارآفرینانه به میزان قابل‌ملاحظه‌ای تحت تأثیر قابلیت‌ها و ساختارهای شناختی افراد قرار دارد (Thomas & Mueller, 2000). این ساختارها از یک‌سو امکان شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه را فراهم می‌کنند و از سوی دیگر مقابله با چالش‌های فرآیند کارآفرینی را ممکن می‌سازند که این امر خود احتمال راه‌اندازی کسب‌وکار و کارآفرینی از سوی افراد را افزایش خواهد داد (Davidsson, 2015). در این میان مقاصد کارآفرینانه در ادبیات پژوهش‌های کارآفرینی توجه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است (Zhou et al., 2024). قصد کارآفرینانه یکی از قابلیت‌های شناختی تأثیرگذار در پیش‌بینی رفتار آتی کارآفرینان به شمار می‌رود (Zhang et al., 2015). بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده آجنز (Ajzen, 1991)، قصد کارآفرینانه به وضعیت ذهنی آگاهانه‌ای اشاره دارد که مقدم بر عمل است و توجه را به سمت رفتارهای کارآفرینانه همچون برنامه‌ریزی شروع یک کسب‌وکار جدید در آینده نزدیک معطوف می‌دارد (Newman et al., 2019; Ramezani, 2023). در واقع قصد کارآفرینانه، فرد را به سمت برنامه‌ریزی آگاهانه برای راه‌اندازی کسب‌وکار در آینده سوق می‌دهد (Remeikiene, 2013). بر اساس شواهد تحقیقات، قصد کارآفرینانه تحت تأثیر مجموعه‌ای از قابلیت‌های شناختی از جمله ریسک‌پذیری، خودباوری و هوشیاری کارآفرینانه قرار دارد (Samydevan et al., 2015). خودباوری را می‌توان به‌مثابه باور فرد نسبت به توانایی‌های خود در مسیر انجام یک کار معین و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده تعریف کرد (Liñán & Chen, 2006, 2009). این باور نه تنها موجب تقویت خوش‌بینی کارآفرینان نسبت به راه‌اندازی کسب‌وکار خواهد شد، بلکه توان افراد در شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه را افزایش می‌دهد و امکان مواجهه آن‌ها با چالش‌های فرآیند کسب‌وکار و در نتیجه قصد کارآفرینانه را تقویت می‌کند (Liang & Dunn, 2008). از این‌رو افراد خودباور با تصور برخوردار از توانایی لازم برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار به‌احتمال بیشتری در آینده اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار خواهند کرد (Adomako et al., 2016). قابلیت شناختی دیگری که قصد کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، هوشیاری است. کرزنر (Kirzner, 1973) اصطلاح هوشیاری کارآفرینانه را توانایی فردی برای آگاهی از فرصت‌های سودآور بدون جستجوی سیستماتیک اطلاعات توصیف می‌کند. افرادی که از هوشیاری کارآفرینانه برخوردارند اطلاعات مرتبط با فضای کسب‌وکار را به شکل هدفمند جستجو می‌کنند. کارآفرینان با هوشیاری بالا قادرند نیازهای بازار را شناسایی کرده و فرصت‌های جدید را کشف کنند (Tang et al., 2012). به این ترتیب هوشیاری با تأثیر مثبت بر قصد کارآفرینانه، افراد را به سمت راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار هدایت خواهد کرد. عامل دیگری که در قصد کارآفرینانه تأثیرگذار است، پذیرش ریسک است. بر اساس تحقیقات، افرادی با تمایل سطح بالا به پذیرش ریسک راه‌اندازی و یا توسعه کسب‌وکار، قصد کارآفرینانه بالاتری نیز خواهند داشت (Martins et al., 2023; Dude & Mulyadi, 2024).

در مجموع شواهد تحقیقاتی حاکی از آنند که شکل‌گیری و تقویت قصد کارآفرینانه به‌مثابه یک قابلیت شناختی خود تحت تأثیر قابلیت‌های شناختی دیگری می‌باشد؛ اما پژوهش‌های کارآفرینی اخیراً به سمت‌وسوی متفاوتی سوق پیدا کرده و به بررسی تأثیر مؤلفه‌های مرتبط با سلامت روان پرداخته‌اند، چراکه سلامت روان تأثیر مثبت چشمگیری بر تصمیم‌ها، انتخاب‌ها و رفتارهای کارآفرینان خواهد داشت (Gish et al., 2022). سلامت روان به معنای سلامت هیجانی و روان‌شناختی است به شکلی که فرد بتواند از قوه تفکر و قابلیت‌های روانی خود به بهترین شکل ممکن در مسیر عملکرد بهینه بهره‌گیرد (Hammond, 2004). اهمیت سلامت روان کارآفرینان اخیراً موضوع بسیاری از تحقیقات در قلمرو کارآفرینی بوده است و بخشی از تحقیقات در این

زمینه به بررسی چگونگی ارتباط اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی<sup>۱</sup> و رفتارهای کارآفرینی پرداخته‌اند (Wiklund et al., 2017). اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی که به‌عنوان یک اختلال رشد عصبی با ۳ ویژگی (بیش‌فعالی، تکانش‌گری، کم‌توجهی) شناخته شده است؛ به‌طور کلی مانعی برای عملکرد شغلی تعریف می‌شود (Fletcher, 2014). شواهد تحقیقاتی تأثیر اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی بر تصمیم‌ها و رفتارهای کارآفرینانه افراد را آشکار ساخته است (Antshel, 2018). نتایج به‌دست آمده از مطالعات انجام شده حاکی از آن است که احتمال انتخاب مسیر کارآفرینانه به‌جای اشتغال در سازمان‌های موجود با تجربه علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و به‌طور خاص (بیش‌فعالی، تکانش‌گری) افزایش می‌یابد (Canits et al., 2019). به‌طوری‌که افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی از سطح بالاتری از گرایش کارآفرینانه برخوردارند (Antshel, 2018). از همین‌رو شواهد تحقیقاتی حاکی از تأثیر انکارناپذیر قابلیت‌های شناختی (Mitchell et al., 2007) از یک‌سو و مؤلفه‌های سلامت روان (Wiklund et al., 2016) از سوی دیگر بر تصمیم‌ها، انتخاب‌ها و رفتارهای کارآفرینان است. بر این اساس، پرسش کلیدی پژوهش حاضر این است که اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی چگونه می‌تواند قصد کارآفرینانه افراد را تحت تأثیر قرار دهد؟ آگاهی از این تأثیرات و بهره‌گیری از استراتژی‌های مناسب برای مدیریت آن‌ها می‌تواند به عملکرد بهتر افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی در مسیر کارآفرینی کمک شایانی نماید. با توجه به تحقیقات اندک و مرتبط با نقش مؤلفه‌های سلامت روان در کارآفرینی و نقش انکارناپذیر قابلیت‌های شناختی در بروز رفتارهای کارآفرینانه (Dude & Mulyadi, 2024)، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش قابلیت‌های شناختی سه‌گانه (خودباوری، هوشیاری و ریسک‌پذیری) و اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی سلامت روان بر قصد کارآفرینانه می‌باشد.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### قصد کارآفرینانه

کارآفرینی به‌عنوان فرآیند کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه (Shane & Venkataraman, 2000)، نمایانگر رفتاری برنامه‌ریزی شده و آگاهانه است (Thompson, 2009). همان‌طور که آجنز در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده خود به آن اشاره می‌کند، قصد کلیدی‌ترین عامل پیش‌بینی کننده هر رفتار برنامه‌ریزی شده‌ای خواهد بود (Ajze, 1991). کارآفرینی نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود. محققان قصد کارآفرینانه را کلید کارآفرینی و تصمیم آگاهانه و برنامه‌ریزی شده برای کارآفرین شدن از سوی فرد می‌دانند (Shane & Venkataraman, 2000). سطوح بالاتر قصد کارآفرینانه می‌تواند به تلاش برای شروع یک کسب‌وکار جدید منجر شود؛ بنابراین قصد کارآفرینانه به‌عنوان اولین گام در فرآیند شروع یک سرمایه‌گذاری جدید (Ajzen, 1991) و همچنین به‌عنوان بهترین پیش‌بینی کننده رفتار کارآفرینانه تلقی می‌شود (Liñán & Chen, 2006; Chen, 2009; Zhang et al., 2015; Shiri et al., 2022). بر اساس تعریف لینان و چن (Liñán & Chen, 2006)، قصد کارآفرینانه به وضعیت ذهنی آگاهانه‌ای اشاره دارد که مقدم بر عمل است و توجه را به سمت رفتارهای کارآفرینانه مانند راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید معطوف می‌دارد. با توجه به نقش چشمگیر قصد کارآفرینانه در بروز رفتار کارآفرینانه در دنیای واقعی (Müller & Parzych, 2018)، تحقیقات گسترده‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت قصد کارآفرینانه پرداخته‌اند. از این میان به نقش قابلیت‌های شناختی در شکل‌گیری قصد کارآفرینانه توجه ویژه‌ای شده است (Verheul et al., 2015; Wismans et al., 2020). در ادامه به ارتباط سه قابلیت شناختی (خودباوری، هوشیاری و ریسک‌پذیری) با قصد کارآفرینانه پرداخته شده است.

<sup>1</sup> Attention-Deficit / Hyperactivity Disorder (ADHD)

### خودباوری کارآفرینانه

مفهوم خودباوری به‌طور گسترده در زمینه‌های بالینی و مرتبط با سلامت مورد پژوهش قرار گرفته است؛ اما اخیراً توسط وود و باندورا (Wood & Bandura, 1989)، به مطالعات سازمان و مدیریت و توسط بوید و همکاران (Boyd et al., 1994)، به قلمرو تحقیقاتی کارآفرینی وارد شده است. خودباوری نقطه کانونی نظریه یادگیری اجتماعی<sup>۱</sup> است که رفتار فردی را به واسطه رابطه متقابل بین ویژگی‌های شخصیتی، عوامل محیطی و رفتار تبیین می‌کند (Chen et al., 1998). خودباوری مفهومی ثمربخش در تشریح رفتار انسانی تلقی می‌شود؛ زیرا بر مبنای تحقیقات نقش مؤثری در تعیین انتخاب‌ها، سطح تلاش و پشتکار فرد ایفا می‌کند (Malureanu et al., 2021). بر اساس مفهوم‌پردازی وود و باندورا (Wood & Bandura, 1989)، خودباوری، باور به توانایی‌های خود برای به کار گرفتن انگیزه، منابع شناختی و کنش موردنیاز در مسیر اعمال کنترل بر رویدادهای زندگی است (Wood & Bandura, 1989). در زمینه کارآفرینی، خودباوری به باور کارآفرینان به مهارت‌ها و قابلیت‌های خود برای شروع و اجرای سرمایه‌گذاری‌های تجاری جدید اشاره دارد (McGee et al., 2009). خودباوری به معنای اعتمادی تزلزل‌ناپذیر به توانایی خود برای دستیابی به چشم‌اندازهای شغلی، می‌باشد. برای کارآفرینان، این اعتماد به نفس ضروری است، زیرا مسیر موفقیت اغلب مملو از عدم اطمینان و مخالفت است. خودباوری در واقع نوعی خودارزیابی است که بر تصمیمات فرد و تلاش‌های وی در برابر موانع تأثیر می‌گذارد (Bandura, 1989; Tsang, 2001; Hsu & Chiu, 2004; Brinckman & Kim, 2015). این اعتماد به شایستگی‌های خود، اگر مثبت باشد، فرد فعالیت‌ها را به‌گونه‌ای سازمان‌دهی می‌کند که موفقیت‌آمیز باشد. در مقابل زمانی که باورها منفی هستند حتی اگر فرد از مهارت‌های لازم برخوردار باشد به دلیل تردید در توانایی خود، اضطراب شکست را احساس می‌کند. لذا بعید است رفتاری را بروز دهد یا بر ادامه آن رفتار اصرار نخواهد کرد (Hartsfield, 2003). بر همین اساس تحقیقاتی بر ارتباط مثبت میان سطوح بالای خودباوری و قصد کارآفرینانه تأکید دارند (Alvarez et al., 2006; Florin et al., 2007; Drnovšek et al., 2010; Caliendo et al., 2023). بر اساس استدلال‌های پیش‌گفته فرضیه نخست پژوهش به‌صورت زیر می‌باشد:

فرضیه اول: خودباوری کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری بر شکل‌گیری قصد کارآفرینانه دارد.

### هوشیاری کارآفرینانه

بر اساس تعریف شین و ونکاتارامان (Shane & Venkataraman, 2000)، کارآفرینی عبارت است از فرایند کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه. از همین‌رو شروع فرایند کارآفرینی منوط به کشف فرصت‌های کارآفرینانه است. کرزنر برای اولین بار به مفهوم هوشیاری کارآفرینانه به‌عنوان یک قابلیت در راستای کشف فرصت‌های کارآفرینانه اشاره می‌کند. کرزنر (Kirzner, 1973, 1979)، استدلال می‌کند که کارآفرینی هم هوشیاری نسبت به فرصت‌های جدید را در بر می‌گیرد و هم اقداماتی که پس از کشف یک فرصت انجام می‌شود. هوشیاری مفهومی است که این پتانسیل را دارد که به میزان قابل‌توجهی به درک ما از نحوه شروع و پیگیری ایده‌های جدید بیافزاید (Kirzner, 1979; Baron, 2004). مفهوم هوشیاری نشان‌دهنده یک توانایی متمایز برای توجه به ایده‌های بالقوه خاص برای سرمایه‌گذاری کارآفرینانه است. هوشیاری برای توصیف الگوی کشف فرصت‌ها به کار گرفته شده است و به بستری جهت پرداختن به ویژگی‌های شناختی و عملکردی لازم برای شناخت فرصت‌های جدید تبدیل شده است (Iram et al., 2022). در واقع این قابلیت به افراد کمک خواهد کرد تا نسبت به تغییرات، جابه‌جایی‌ها، فرصت‌ها و احتمالات نادیده گرفته شده بیشتر آگاهی پیدا کنند (Gaglio & Katz, 2001). بر اساس نظر تانگ (Tang et al., 2012)، هوشیاری شامل سه بعد اسکن و جستجو، برقراری ارتباط و ارزیابی و قضاوت است. افرادی که از هوشیاری کارآفرینانه

<sup>1</sup> Social learning theory

برخوردارند، معمولاً اطلاعات مرتبط با کسب‌وکار جدید را به شکل هدفمند اسکن و جستجو می‌کنند (Tang et al., 2021). در بعد دوم، افراد عمدتاً به تجزیه و تحلیل اطلاعاتی که به دست آورده‌اند می‌پردازند. با تحلیل اطلاعات، تفاوت‌هایی را شناسایی می‌کنند که به آن‌ها امکان ایجاد ارزش می‌دهد. در نهایت، در بعد ارزیابی و قضاوت باید تعیین کنند که آیا از نظر تجاری با یک فرصت ارزشمند مواجه هستند یا خیر. می‌توان استدلال کرد هوشیاری کارآفرینانه یک توانایی شناختی است که افراد را به غربال کردن و پردازش اطلاعات برای شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های سودآور سوق می‌دهد (Montiel-Campos, 2021). از همین رو با فراهم کردن امکان شناسایی فرصت‌ها و بهره‌برداری از آن‌ها قصد راه‌اندازی کسب‌وکار را در افراد تقویت خواهد کرد. بر اساس استدلال‌های پیش‌گفته فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر تدوین می‌گردد:

❖ **فرضیه دوم:** هوشیاری کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری بر شکل‌گیری قصد کارآفرینانه دارد.

### ریسک‌پذیری

ریسک‌پذیری در کارآفرینی به معنای خروج از منطقه امن و به چالش کشیدن وضعیت موجود و استفاده از فرصت‌هایی است که دیگران ممکن است از آن اجتناب کنند (Tipu, 2017). بر اساس توصیف‌های تحقیقاتی از ماهیت کارآفرینی و مشاهدات روزمره، کارآفرینان نسبت به سایر افراد، بیشتر مستعد ریسک‌پذیری تلقی می‌شوند. تعاریف اولیه کارآفرینی بر تمایل کارآفرینان برای درگیر شدن در ریسک‌های محاسبه شده مرتبط با کسب‌وکار متمرکز بوده‌اند (Brockhaus, 1980). کارآفرینان هنگام ایجاد شرکت‌های جدید، متحمل انواع مختلفی از ریسک‌های روانی، اجتماعی و مالی می‌شوند (Antoncic et al., 2018). به گفته ژائو و همکاران (Zhao et al., 2005)، افرادی که تمایل به ریسک‌پذیری بالاتری دارند در مواجهه با موقعیت‌های مخاطره‌آمیز اعتماد به نفس بالاتری خواهند داشت و شرایط نامطمئن را نسبت به سایر افراد کم‌خطرتر می‌بینند. با در نظر گرفتن این موضوع، آن‌ها ممکن است کمتر احساس نگرانی کنند، الزامات موقعیت را برآورده سازند و وظایف را با آسودگی بیشتری انجام دهند (Maheshwari et al., 2022). محققان دریافته‌اند که قصد کارآفرینی برای کسانی که نگرش مثبت‌تری نسبت به ریسک و استقلال دارند قوی‌تر است، به این معنا که هر چه میزان تحمل فرد برای ریسک بالاتر باشد و هر چه ترجیح آن‌ها برای استقلال در تصمیم‌گیری قوی‌تر باشد، قصد آن‌ها برای کارآفرینی تقویت خواهد شد (Douglas & Shepherd, 2002). علاوه بر این، ادبیات موجود بر اهمیت تمایل به ریسک در شکل‌گیری مقاصد کارآفرینانه برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید و رشد کسب‌وکارهای موجود تأکید می‌کند. این به این دلیل است که فعالیت کارآفرینی، طبق تعریف، مستلزم آن است که افراد انواع مختلفی از ریسک‌ها را برای ایجاد یک کسب‌وکار جدید با وجود نرخ بالای شکست، متحمل شوند. می‌توان استدلال کرد که ریسک‌پذیری می‌تواند قصد افراد برای راه‌اندازی کسب‌وکار را تقویت کند. بر اساس استدلال‌های پیش‌گفته فرضیه سوم پژوهش به صورت زیر بیان می‌گردد:

❖ **فرضیه سوم:** ریسک‌پذیری تأثیر مثبت و معناداری بر شکل‌گیری قصد کارآفرینانه دارد.

### اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی

اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی شایع‌ترین اختلال رشدی-عصب‌شناختی در کودکان است. بر اساس چاپ چهارم راهنمای تشخیصی انجمن روان‌پزشکی آمریکا (American Psychiatric Association, 2000)، سه نوع اختلال نارسایی توجه / بیش‌فعالی وجود دارد: نارسایی توجه غالب، بیش‌فعالی-تکانش‌گری غالب و نوع مرکب این اختلال که یکی از شایع‌ترین مشکلات کودکان و نوجوانان و علت مراجعه به روان‌پزشک و مشاوره اطفال است و علائم ناخوشایندی مانند کاستی توجه، بیش‌فعالی و تکانش‌گری را به دنبال دارد (Dimakos et al., 2024). برخی از پیامدهای منفی مرتبط با این اختلال عبارتند از: اضطراب، نگرانی، اهمال‌کاری، کم‌کاری تحصیلی و طرد اجتماعی؛ بنابراین این اختلال اغلب به‌عنوان یک مؤلفه منفی سلامت روان در نظر گرفته می‌شود (Barkley, 1997). علائم مرتبط با اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی ممکن است برای سازگاری با

یک محیط کاری معمول مشکل‌ساز باشد (Barkley et al., 2008). مسئله مهم‌تر آن است که هم دانشمندان و هم پزشکان اکنون اذعان دارند زمانی که علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی خاصی در دوران کودکی تشخیص داده شد، احتمال تداوم این علائم و تأثیرگذاری آن‌ها بر مهارت‌های شناختی و عملکردی افراد در بزرگسالی بسیار زیاد است. در واقع، شواهد تحقیقاتی گزارش داده‌اند که بین ۵۰ تا ۷۰ درصد از افرادی که با علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی تشخیص داده شده‌اند، در بزرگسالی نیز این علائم را دارا هستند (Magnin & Maurs, 2017). در این راستا، محققان استدلال می‌کنند علائم این نوع از اختلال که با پیامدهای منفی در بسیاری از زمینه‌های زندگی همراه است، ممکن است پیامدهای مثبتی در زمینه کارآفرینی به همراه داشته باشد؛ زیرا اختلال نارسایی توجه / بیش‌فعالی با ویژگی‌هایی مانند جستجوی احساسات، تمرکز بر عمل با پیش‌بینی کم و میل به خودمختاری همراه است و می‌تواند افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی یا اختلالی با علائم مشابه اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی را به سمت گزینه‌های شغلی کارآفرینانه سوق دهد (Wiklund et al., 2017). یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی با گرایش کارآفرینانه (Yu et al., 2018; Wismans et al., 2020)، طرز تفکر کارآفرینانه (Moore et al., 2021)، فعالیت‌های راه‌اندازی کسب‌وکار جدید (Wiklund et al., 2017) و دنبال کردن خوداشتغالی (Verheul et al., 2015)، ارتباط مثبتی دارد. شواهد تحقیقاتی همچنین حاکی از ارتباط اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی با قابلیت‌های شناختی تأثیرگذار بر کارآفرینی نیز است (Verheul et al., 2015; Wismans et al., 2020).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد خودباوری به ارزیابی شناختی فرد از توانایی خود برای به‌کار گرفتن منابع در مسیر عمل و اعمال کنترل بر رویدادهای زندگی اشاره دارد (Wood & Bandura, 1989; Chen et al., 1998; McGee et al., 2009). از طرفی یافته‌های تحقیقاتی بیانگر آن است که افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی ممکن است به‌علت بروز مشکلات عملکردی اجتماعی، مانند تشخیص عملکرد پایین‌تر توسط سرپرستان (Barkley et al., 2007)، نرخ بالاتر غیبت از کار و آسیب در محل کار (Kessler et al., 2009a)، از اعتمادبه‌نفس پایین‌تری برخوردار باشند. این فقدان اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس پایین که طبق تعریف دلالت بر خودباوری پایین دارد (Brockner & Guare, 1983)، به‌ویژه به‌هنگامی که در زمینه کارآفرینی اعمال شود، مشکل‌ساز خواهد بود و کارآفرینی را به یکی از مشاغل دشوار برای فرد تبدیل می‌کند (Newman et al., 2019). افرادی که از اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی رنج می‌برند به‌علت اختلالات عصبی روان‌شناختی اغلب در معرض پیامدهای منفی زندگی هستند. می‌توان فرض کرد که علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی رابطه‌ی بین خودباوری و قصد کارآفرینانه را به‌طور منفی تعدیل می‌کند (Young et al., 2021; Tucker et al., 2021). به این معنا که با سطح یکسان خودباوری کارآفرینانه، افراد دارای اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی سطح پایین‌تری از قصد کارآفرینانه را تجربه خواهند کرد. همچنین محققان بیان داشتند که هوشیاری کارآفرینی نقشی مهم در فرآیند کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه دارد (Ardichvili et al., 2003). از طرفی یافته‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی به‌عنوان یک نقص شناختی یا ناتوانی یادگیری در نظر گرفته می‌شود که لزوماً یک اختلال منفی برای کارآفرینان تلقی نمی‌شود. بر اساس استدلال گیلیاد و همکاران (Giliad et al., 1988)، ماهیت کارآفرینی در مهارت کارآفرینان در توجه به فرصت‌ها نمود می‌یابد. نتایج مطالعات اخیر حاکی از آن بود که اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی می‌تواند به‌صورت تمرکز شدید روی موضوعات مورد علاقه ظاهر شود. همچنین این اختلال به افراد هوشیار کمک می‌کند تا فرصتی برای کسب علاقه و تمرکز بیشتر بر فعالیت‌های کارآفرینانه، پیدا کنند. در این صورت فرآیند کارآفرینی این افراد با موفقیت بیشتری طی می‌شود و این خود می‌تواند به قصد کارآفرینانه بالاتر منجر شود؛ بنابراین می‌توان فرض کرد با سطح یکسانی از هوشیاری کارآفرینانه افراد با علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی قصد کارآفرینانه بالاتری را تجربه خواهند کرد.

فرآیند کارآفرینی در تحقیقات اخیر در علوم اعصاب مبنایی ارثی را برای اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی نشان می‌دهد. این تفاوت‌های مغزی در تمام طول مدت در مخزن ژن باقی مانده و در بسیاری جهات منجر به ایجاد صفات و رفتارهایی ناکارآمد

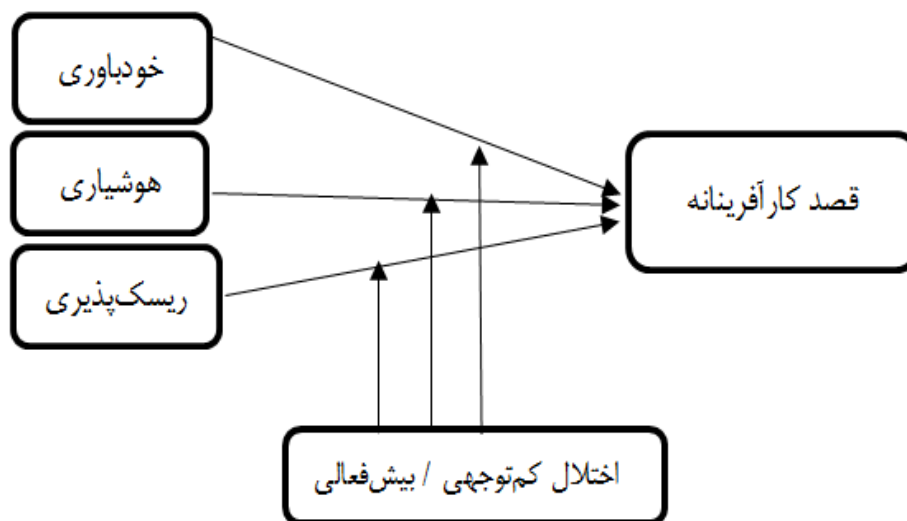
می‌شود. با این حال در برخی از ویژگی‌های مرتبط با این اختلال مزایایی دیده می‌شود. تغییرات ژنتیکی گیرنده‌های دوپامین در اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی با افزایش ریسک‌پذیری همراه است و این امر مستقیماً با افزایش تمایل به کارآفرینی مرتبط است؛ زیرا کارآفرینی زمینه‌ای است که با موقعیت‌های جدید و حاوی ریسک همراه است (Nicolaou et al., 2011). وقتی علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی را از دریچه کارآفرینی مشاهده می‌کنیم، میل به تصور و کشف ناشناخته‌ها تبدیل به محرک ریسک‌پذیری می‌شود (Verheul et al., 2015). علاوه بر این شواهد نشان می‌دهد بعد بی‌توجهی اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی با رفتارهای مرتبط با کارآفرینی مرتبط است (Nicolaou et al., 2011). طبق تئوری برانگیختگی، احتمال پاداش بالا ممکن است ریسک‌پذیری را برای کسانی که علائم بی‌توجهی بیشتری دارند، ضروری جلوه دهد. همچنین ویژگی ریسک‌پذیری در افراد اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی به علت ناتوانی در حفظ علاقه به یک کار خاص برای مدتی طولانی و فقدان صبر و پشتکار برای انجام هر کار پیش یا افتاده‌ایی برجسته است (Wiklund et al., 2016) و به‌عنوان نیروی محرکه تصمیم برای ترک یک شغل و قصد به انجام کارآفرینی نمود پیدا می‌کند؛ بنابراین بر طبق نتایج به‌دست آمده از تحقیقات پیشین می‌توان نتیجه گرفت که علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی می‌تواند با نوآوری و تحمل ریسک مرتبط باشد. به‌همین دلیل می‌توان استدلال کرد با وجود سطح یکسانی از ریسک‌پذیری افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی بیشتر از ریسک‌پذیری خود به نفع شکل‌گیری قصد کارآفرینانه بهره خواهند گرفت. بر اساس استدلال‌های پیش‌گفته فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم پژوهش به‌صورت زیر تدوین گردیدند:

✎ فرضیه چهارم: اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی ارتباط میان خودباوری و قصد کارآفرینانه را تضعیف می‌کند.

✎ فرضیه پنجم: اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی ارتباط میان هوشیاری و قصد کارآفرینانه را تقویت می‌کند.

✎ فرضیه ششم: اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی ارتباط میان ریسک‌پذیری و قصد کارآفرینانه را تقویت می‌کند.

شکل (۱)، مدل مفهومی پژوهش را به تصویر می‌کشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

جدول (۱)، مهم‌ترین پژوهش‌های اخیر در زمینه ارتباط اختلال کم‌توجهی-بیش‌فعالی و متغیرهای کارآفرینانه را به تصویر می‌کشد.

## جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش

| پژوهشگر (سال)        | هدف پژوهش   | یافته‌های کلیدی  |
|----------------------|---|--|
| Tamzini (2024)       | بررسی ارتباط میان اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و رفتار کارآفرینانه                             | یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ارتباطی میان اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و رفتار کارآفرینانه برقرار نیست. هرچند که قصد کارآفرینانه واسطه ارتباط میان این دو مؤلفه است به طوری که اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی به واسطه تأثیرگذاری بر قصد کارآفرینانه می‌تواند رفتار کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار دهد   |
| Yu et al. (2023)     | بررسی اثر تعدیل‌گر هوش و جنسیت بر ارتباط میان اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و رفتار کارآفرینانه | شواهد نشان می‌دهند هوش نقشی کلیدی در افزایش احتمال رفتار کارآفرینانه افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی ایفا می‌کند. همچنین جنسیت در تأثیر مثبت هوش بر رفتار کارآفرینانه تفاوت ایجاد می‌کند. به طوری که مردان مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی با هوش بالاتر بیشترین تمایل را به بروز رفتارهای کارآفرینانه نشان می‌دهند                                      |
| Rajah et al. (2021)  | تأثیر علائم شبه اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی در ۱۰ سالگی بر عملکرد کارآفرینانه در بزرگسالی     | یافته‌ها حاکی از آنند که هرچند علائم شبه اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی در انتخاب مسیرهای کارآفرینانه در بزرگسالی تأثیرگذار است؛ اما عملکرد و بقای کسب‌وکار در بلندمدت را به‌ویژه در میان کارآفرینان مرد به شکل منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال مؤلفه بی‌توجهی با نرخ بالای شکست و سطح پایین درآمد در ارتباط است و تکانش‌گری با رشد منفی کسب‌وکار در ارتباط است   |
| Yu et al. (2021)     | بررسی ارتباط علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی، گرایش کارآفرینانه و عملکرد کسب‌وکار           | شواهد نشان می‌دهند اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی به واسطه تأثیرگذاری بعد تکانش‌گری بر جهت‌گیری کارآفرینانه، عملکرد کسب‌وکار را به شکل قابل‌ملاحظه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حالی که بعد عدم توجه از این قابلیت تأثیرگذاری برخوردار نیست. در واقع عملکرد افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی از تمرکز بیشتر بر نوآوری، پیشگامی و ریسک‌پذیری نشئت می‌گیرد          |
| Patel et al. (2021)  | بررسی ارتباط اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و خوداشتغالی   | یافته‌ها حاکی از آنند که هرچند اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی افراد را به سمت گزینه‌های خوداشتغالی سوق می‌دهد اما بازده مالی ناشی از گزینه‌های کارآفرینانه چندان بیشتر از وضعیت استخدام در یک کسب‌وکار یا سازمان نبوده است. در واقع هرچند اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی افراد را به سمت خوداشتغالی سوق می‌دهد اما ممکن است بر عملکرد حرفه‌ای آن‌ها تأثیر منفی بر جای بگذارد   |
| Hatak et al. (2021)  | بررسی ارتباط اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و عملکرد کسب‌وکار                                    | شواهد نشان می‌دهند احساسات مثبت قوی می‌تواند موجب عملکرد موفق افراد با علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی شوند. این افراد می‌توانند تأثیر این اختلال را بر عملکرد خود کاهش دهند در زمانی که اشتیاق بالایی برای راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار دارند  |
| Lerner et al. (2019) | بررسی ارتباط میان اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و قصد کنش کارآفرینانه                           | شواهد پژوهش حاکی از آنند، افرادی که علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی را بروز می‌دهند به احتمال بیشتری برای راه‌اندازی کسب‌وکاری جدید دست به سرمایه‌گذاری می‌زنند. در واقع این افراد نه تنها از قصد کارآفرینانه بالاتری نسبت به هم‌تایان فاقد اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی خود برخوردارند بلکه با احتمال بالاتری قصد خود را به سرمایه‌گذاری در دنیای واقعی بدل خواهند کرد |
| Dimic & Orlov (2014) | ارتباط میان ابتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و تمایل به کارآفرینی                         | شواهد نشان می‌دهند اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی تأثیر زیادی بر انتخاب گزینه‌های کارآفرینانه دارد در حالی که انتخاب گزینه اشتغال در یک سازمان یا بیکاری را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. همچنین افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی با اختلاف بالاتری کارآفرینی را گزینه حرفه‌ای ارزشمندی تلقی می‌کنند  |

پیشینه پژوهش حاکی از آن است که محققان اخیراً به بررسی ارتباط مؤلفه سلامت روان اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و سایر مؤلفه‌های کارآفرینی علاقه چشمگیری نشان داده‌اند. در این میان ارتباط اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی با متغیرهای متعدد شناختی همچون خودباوری، اشتیاق و یا گرایش کارآفرینانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در مواردی نیز تأثیر اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی بر عملکرد کسب‌وکارها مورد تحقیق بوده است. هرچند تحقیقات در مواردی به بررسی ارتباط اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و قصد کارآفرینانه پرداخته‌اند؛ اما هنوز روشن نیست این اختلال روان‌شناختی چگونه می‌تواند بر شکل‌گیری و تقویت قصد کارآفرینانه تأثیرگذار باشد. با توجه به اینکه تحقیقات داخلی چندانی به این حوزه تحقیقاتی نپرداخته‌اند به استثنای شفیعی و امیری (Shafiee, & Amiri, 2024). پژوهش حاضر از معدود پژوهش‌هایی است که درصدد بررسی شکل‌گیری قصد کارآفرینانه با تأکید همزمان بر مؤلفه‌های شناختی کارآفرینانه و سلامت روان خواهد بود.

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و بر حسب گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی بوده است. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان در حال تحصیل دانشکده مهندسی دانشگاه کردستان در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا به تعداد ۳۵۰۰ نفر تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۳۴۶ نفر (بر اساس جدول مورگان) به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بوده و برای سنجش متغیرهای کلیدی از پرسشنامه‌های استاندارد کسلر و همکاران (Kessler et al., 2009b)، برای اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی مشتمل بر شش سؤال، لینان و همکاران (Liñán et al., 2011) و تسای و همکاران (Tsai et al., 2011)، برای قصد کارآفرینانه مشتمل بر شش سؤال، تانگ و همکاران (Tang et al., 2012)، برای هوشیاری مشتمل بر ۲۴ سؤال، لینان (Liñán, 2008) و دی نوبل و همکاران (De Noble et al., 1999)، برای خودباوری مشتمل بر شش سؤال و پرسشنامه اریگ<sup>۱</sup>، برای ریسک‌پذیری مشتمل بر شش سؤال بهره گرفته شد. در این پژوهش برای تحلیل رابطه بین متغیرها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش در دو بخش آمارهای توصیفی و استنباطی و در محیط نرم‌افزارهای (SPSS) و (SmartPLS) انجام گرفت. برای تعیین پایایی ابزار اندازه‌گیری از دو شاخص آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی استفاده شد. پایایی ترکیبی نسبت به آلفای کرونباخ از این مزیت برخوردار است که پایایی سازه‌های یک مدل با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. اگر مقدار پایایی ترکیبی هر سازه بالای ۰/۴ به دست آید، پایایی مناسب ارزیابی می‌گردد.

## یافته‌ها

در نمونه مورد بررسی ۵۰/۳ درصد پاسخ‌دهندگان زن و ۴۹/۷ درصد مرد بودند. همچنین از لحاظ سنی، افراد دارای سن کمتر از ۲۵ سال، بیشترین فراوانی (۷۱/۱ درصد) و افراد دارای سن بیش‌تر از ۳۵ سال، کمترین فراوانی (۴/۳ درصد) را داشتند. بیشترین افراد شرکت‌کننده دارای مقطع کارشناسی (۷۴/۶ درصد) و مربوط به رشته تحصیلی مهندسی برق (۲۵/۴ درصد) بودند. با توجه به نتایج جدول (۲)، بیشترین میانگین و انحراف معیار مربوط به متغیر هوشیاری و کمترین آن مربوط به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی بوده است.

جدول ۲. مقادیر میانگین، انحراف معیار مربوط به متغیرهای پژوهش

| متغیرها                     | میانگین | انحراف معیار |
|-----------------------------|---------|--------------|
| هوشیاری                     | ۸۵/۵۷۵  | ۱۱/۸۲۴       |
| خودباوری                    | ۲۰/۲۳۷  | ۳/۸۹۸        |
| ریسک‌پذیری                  | ۲۱/۷۵۷  | ۳/۴۹۲        |
| کل                          | ۱۲۷/۵۶۹ | ۱۶/۲۹۰       |
| اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی | ۱۷/۴۶۸  | ۴/۲۸۱        |
| قصد کارآفرینانه             | ۲۰/۱۱۵  | ۳/۱۹۳        |

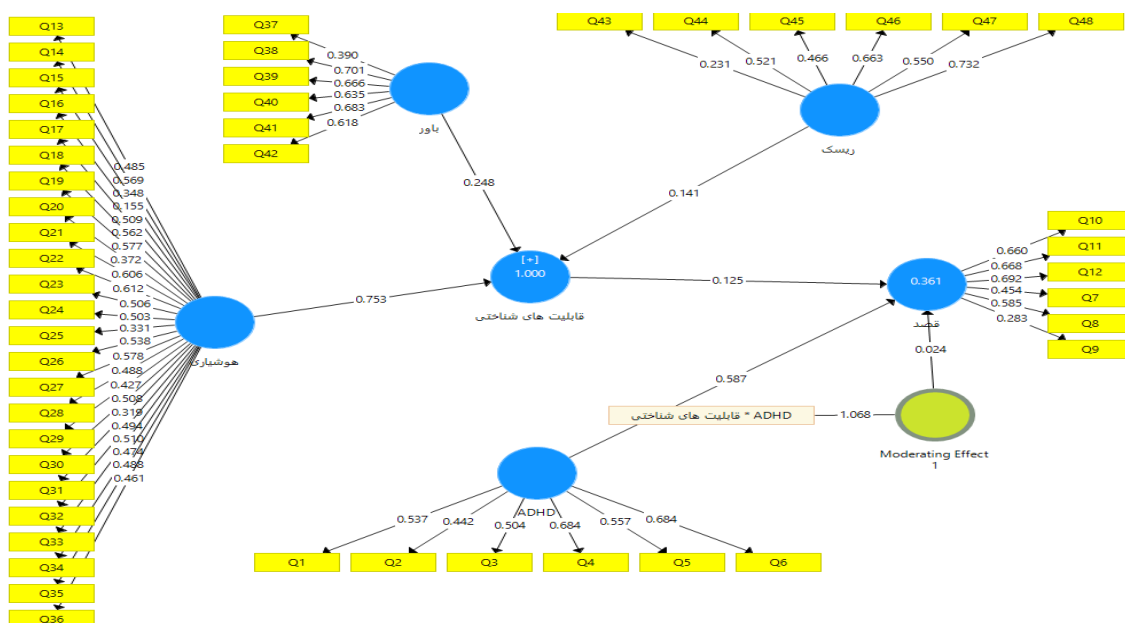
نتایج ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی در جدول (۳)، ارائه شده‌اند:

<sup>۱</sup> ERIG Scale

جدول ۳. مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مربوط به متغیرهای پژوهش

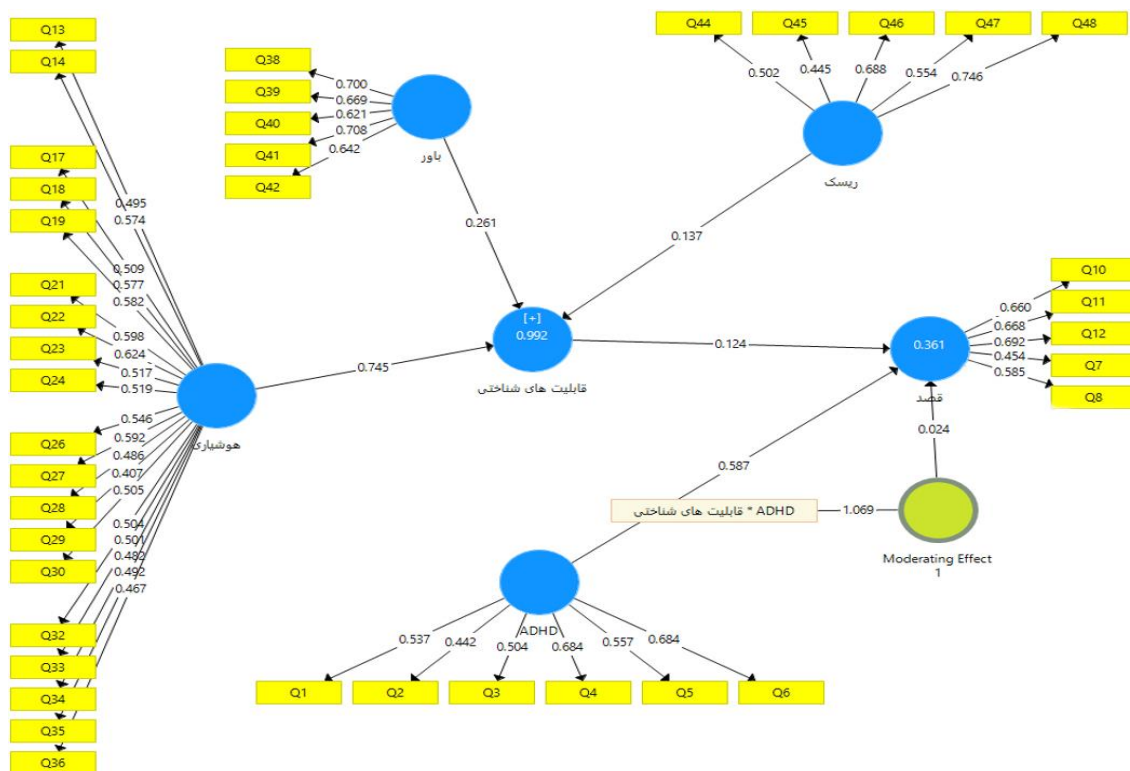
| متغیرها                     | تعداد | شماره سؤالات | آلفای کرونباخ | ضریب پایایی ترکیبی (CR>0.7) |
|-----------------------------|-------|--------------|---------------|-----------------------------|
| اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی | ۶     | ۱ تا ۶       | ۰/۷۹۶         | ۰/۷۴۳                       |
| قصد                         | ۶     | ۷ تا ۱۲      | ۰/۸۲۰         | ۰/۷۳۶                       |
| هوشیاری                     | ۲۴    | ۱۳ تا ۳۶     | ۰/۸۵۰         | ۰/۸۷۹                       |
| خودباوری                    | ۶     | ۳۷ تا ۴۲     | ۰/۷۷۶         | ۰/۸۰۲                       |
| ریسک‌پذیری                  | ۶     | ۴۳ تا ۴۸     | ۰/۷۳۴         | ۰/۷۲۸                       |
| مقادیر کل متغیرهای پژوهش    | ۴۸    | ۱ تا ۴۸      | ۰/۸۷۶         | ۰/۸۱۹                       |

در این پژوهش به منظور شناسایی روابط میان متغیرها از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در خروجی مدل ساختاری، فرضیه‌های تحقیق همراه با ضرایب بارهای عاملی و ضرایب معناداری آن‌ها آورده شده است.

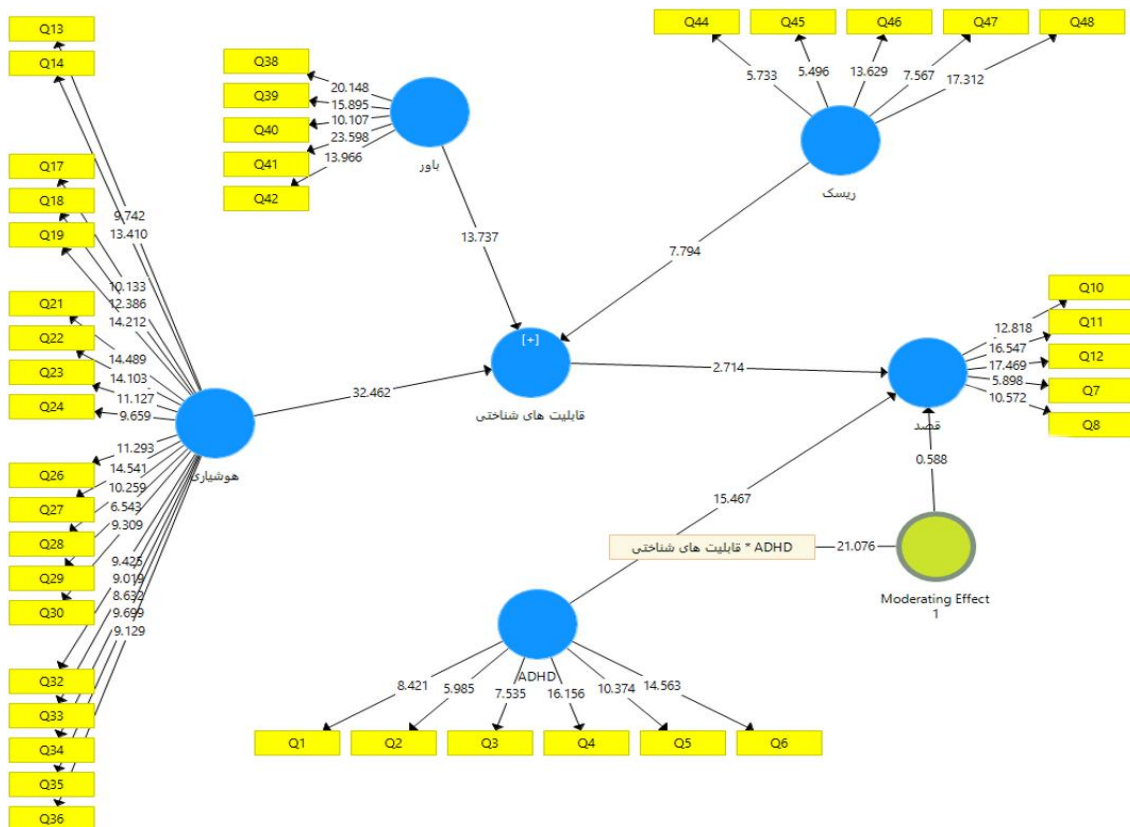


شکل ۲. مدل ساختاری فرضیه‌های تحقیق همراه با ضرایب بارهای عاملی

با توجه به اینکه در مدل ساختاری (شکل ۲)، بار عاملی تعدادی از سؤالات کمتر از ۰/۴ بوده از رابطه حذف می‌گردد (Shrestha, 2021) و به صورت مدل زیر (شکل ۳)، نشان داده شد.



شکل ۳. مدل ساختاری نهایی فرضیه‌های تحقیق همراه با ضرایب بارهای عاملی



شکل ۴. مدل ساختاری فرضیه‌های تحقیق همراه با ضرایب معناداری

با توجه به اینکه اعداد مربوط به بارهای عاملی سؤالات از ۰/۴ بیشتر بود است؛ لذا مدل مناسب تشخیص داده شد. همچنین مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بالای ۰/۷ و روایی همگرا (AVE) بالای ۰/۵ می‌باشد که نشان از وضعیت مناسب پایایی و روایی همگرای پژوهش است.

نتایج مربوط به بررسی تأثیر قابلیت‌های شناختی (خودباوری، هوشیاری و ریسک‌پذیری) بر قصد کارآفرینانه دانشجویان، نشان داد که خودباوری ( $\beta = 0/261$ )، هوشیاری ( $\beta = 0/745$ ) و ریسک‌پذیری ( $\beta = 0/137$ )، بر قصد کارآفرینانه دانشجویان، تأثیر مثبت و معنادار دارند (جدول ۴). در نتیجه فرضیه‌های اول، دوم و سوم پژوهش، تأیید شدند.

نتایج مربوط به تعدیل رابطه میان قابلیت‌های شناختی (خودباوری، هوشیاری و ریسک‌پذیری) و قصد کارآفرینانه دانشجویان از طریق اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی، بیانگر آن بود که اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی ارتباط میان قابلیت‌های شناختی (خودباوری، هوشیاری و ریسک‌پذیری) و قصد کارآفرینانه دانشجویان را با مقادیر بتای ( $\beta = 0/587$ ) به صورت معنادار در سطح ( $P < 0/01$ ) پیش‌بینی (تعدیل) می‌کند (جدول ۴). در نتیجه فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم پژوهش، نیز تأیید شدند.

جدول ۴. نتایج روابط مستقیم و غیرمستقیم و ضرایب معنی‌داری فرضیات پژوهش

| مسیر  | ضریب استاندارد | خطای معیار | مقادیر تی | سطح معناداری        |
|---|----------------|------------|-----------|---------------------|
| اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی ← قصد کارآفرینانه | ۰/۵۸۷          | ۰/۰۳۶      | ۱۶/۱۴۲    | ۰/۰۰۱**             |
| تعدیل گر ← قصد کارآفرینانه                    | ۰/۰۲۴          | ۰/۰۴۲      | ۰/۵۷۰     | ۰/۵۶۹ <sup>NS</sup> |
| خودباوری ← قابلیت‌های شناختی                  | ۰/۲۶۱          | ۰/۰۱۹      | ۱۳/۷۳۵    | ۰/۰۰۱**             |
| ریسک‌پذیری ← قابلیت‌های شناختی                | ۰/۱۳۷          | ۰/۰۱۸      | ۷/۶۱۹     | ۰/۰۰۱**             |
| هوشیاری ← قابلیت‌های شناختی                   | ۰/۷۴۵          | ۰/۰۲۲      | ۳۴/۱۲۸    | ۰/۰۰۱**             |

\*\* معناداری در سطح خطای یک درصد

NS: فاقد اختلاف معنادار

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط قابلیت‌های شناختی (خودباوری، هوشیاری و ریسک‌پذیری) با قصد کارآفرینانه در میان دانشجویان با تأکید بر نقش تعدیل‌گر مؤلفه سلامت روان اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی بوده است؛ بنابراین نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها در ادامه به بحث گذارده شده است.

### ارتباط قابلیت‌های شناختی و قصد کارآفرینانه

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سطح بالاتر خودباوری موجب افزایش قصد کارآفرینانه در میان دانشجویان می‌شود. رابطه مثبت بین خودباوری و قصد کارآفرینانه در پژوهش‌های هیبر و کاستروچیوانی (Dheer & Castrogiovanni, 2023)، راثور و همکاران (Rathore et al., 2015)، اتاچه و محمود (Otache & Mahmood, 2015)، نیومن و همکاران (Newman et al., 2019)، درینی و همکاران (Darini & Aghajani, 2022)، بهروز و کاظمی (Behrouz & Kazemi, 2023) مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. به گفته گالیو (Gaglio, 2004)، قصد کارآفرینی تحت تأثیر درک و باور فرد به توانایی خود قرار دارد؛ چراکه افراد با سطح بالای خودباوری میل به ایجاد اهداف چالش‌برانگیز دارند، این افراد برای دستیابی به اهداف خود پافشاری می‌کنند، به سرعت پس از شکست حتی در شرایط سخت و استرس‌زا بهبود می‌یابند. افرادی با این ویژگی به دلیل باور و اعتماد به توانایی‌های خود به طور جدی‌تر در پی شروع یک فعالیت کارآفرینانه هستند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که سطح بالاتر هوشیاری موجب افزایش قصد کارآفرینانه در میان دانشجویان می‌شود. در پژوهش‌های آزلوت و همکاران (Auzoult et al., 2016) و شفیعی و امیری (Shafiee & Amiri, 2024)، رابطه‌ای مثبت و معنادار میان ویژگی هوشیاری در افراد و قصد کارآفرینی و شروع یک کسب‌وکار مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. به گفته

کرزنر، هوشیاری محرکی برای اقدام کارآفرینانه محسوب می‌شود. هوشیاری در افراد منجر به تشخیص و آگاهی از فرصت‌های بیشتری می‌شود و این امر می‌تواند موجب شکل‌گیری قصد به ایجاد یک کسب‌وکار در فرد شود. هوشیاری مستقیماً فرایند تصمیم‌گیری را تقویت می‌کند و موجب تسهیل درک و تفسیر اطلاعات می‌شود؛ بنابراین هرچه سطح هوشیاری بالاتر باشد احتمال تبدیل شدن فرد به کارآفرین بیشتر است. با توجه به یافته‌ها، سطح بالاتری از ریسک‌پذیری باعث افزایش قصد کارآفرینانه در میان دانشجویان می‌شود. پژوهشگرانی مانند تانگ و همکاران (Tang et al., 2012)، معتقدند که میان ریسک‌پذیری و قصد کارآفرینانه رابطه‌ای مستقیم و معنادار برقرار است. به گفته داگلاس و شپرد (Douglas and Shepherd, 2002)، به هر میزان که ریسک‌پذیری در فردی بالاتر باشد، استقلال در تصمیم‌گیری در آن فرد بیشتر خواهد بود و به طبع آن، قصد او برای کارآفرینی بالاتر خواهد بود. ویژگی بارز ریسک‌پذیری در فرد می‌تواند منجر به تحمل بالای محیط‌های پر تنش و نامطمئن شود، محیط‌هایی که در واقع محل تولد و رشد سرمایه‌گذاری‌های جدید هستند (Antoncic et al, 2018).

### نقش تعدیل‌گر اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی بر ارتباط میان قابلیت‌های شناختی و قصد کارآفرینانه

بر اساس شواهد تجربی اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی در زمینه اجتماعی و شغلی بر فرد تأثیرگذار است. به طوری که منجر می‌شود فرد احساس ناتوانی و ناکافی بودن در انجام فعالیت‌ها و وظایف خود داشته باشد. به گفته کسلر و همکاران (Kessler et al., 2009a & 2009b)، افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی به دلیل تجربه مشکلات اجتماعی و شغلی مکرر فاقد اعتمادبه‌نفس قابل قبول هستند. انتظار می‌رود این پیامدها منجر به شکل‌گیری قصد کارآفرینانه پایین‌تری در این افراد شود و در نهایت آن‌ها را در حرفه کارآفرینی با چالش‌ها و مسائل متعددی روبرو سازد. یافته جالب توجه آنکه برخلاف نتایج به دست آمده از پژوهش‌های پیشین، یافته متفاوت پژوهش حاضر حاکی از آن بود که اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی تأثیری مثبت بر رابطه میان خودباوری و قصد کارآفرینانه دارد. جامعه مورد بررسی در پژوهش مورد نظر، دانشجویان مهندسی هستند و فرهنگ جامعه القا می‌کند که این افراد به نسبت باهوش‌تر و توانمندتر از دیگر افراد همچون دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی هستند و به همین علت می‌توان استدلال کرد اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی در این افراد تأثیر خودباوری بر قصد را تضعیف نکرده است. علاوه بر این‌ها شواهد نشان می‌دهد که عمده کسب‌وکارها دست‌کم در پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد وابسته به دانشگاه، توسط دانشجویان رشته‌های مهندسی راه‌اندازی می‌شود که خود موجب تقویت اراده راه‌اندازی کسب‌وکار در دانشجویان مهندسی حتی با وجود ابتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی خواهد بود؛ بنابراین در چنین شرایطی افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی این باور را دارند که می‌توانند در مشاغل کارآفرینی موفق شوند (Patel et al., 2021).

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی موجب تقویت رابطه هوشیاری و قصد کارآفرینانه می‌شود. در پژوهش‌های محققانی مطرح همچون میچل و همکاران (Mitchell et al., 2007)، مثبت بودن تأثیر اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی بر رابطه بین قصد کارآفرینانه و هوشیاری مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های وایت (White, 2020)، افرادی که مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی هستند دارای جنبه‌هایی از خلاقیت، میل به نوآوری و خلق ایده‌های جدید هستند که ارتباطی مثبت با کارآفرینی دارند. افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی با هوشیاری کارآفرینانه سطح بالاتری از قصد کارآفرینانه را تجربه می‌کنند؛ چراکه اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی باعث می‌شود، این افراد بتوانند با بهره‌گیری از هوشیاری، از فرصت‌ها به نفع توسعه یک نوآوری بهره بگیرند و این امر تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار برای پیاده‌سازی نوآوری و در نتیجه قصد کارآفرینانه را بالا می‌برد. در تحقیقات داخلی مطالعات بسیار معدودی به ارتباط مؤلفه‌های سلامت روان و رفتارهای کارآفرینانه پرداخته‌اند. شفیعی و امیری (Shafiee & Amiri, 2024)، در مطالعه خود دریافتند سلامت روان شناختی می‌تواند ارتباط میان هوشیاری و قصد کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما در هیچ‌یک از پژوهش‌های داخلی به‌طور خاص به نقش مؤلفه اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی و ارتباط آن با قابلیت‌های شناختی کارآفرینانه پرداخته نشده است.

یافته‌های پژوهش همچنین حاکی از آن است که اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی موجب تقویت ارتباط ریسک‌پذیری و قصد کارآفرینانه می‌شود. طبق نتایج به‌دست آمده از تحقیقات داگلاس و شپرد (Douglas & Shepherd, 2002)، قصد کارآفرینی برای افرادی که دید مثبت‌تری نسبت به ریسک و استقلال در تصمیم‌گیری دارند قوی‌تر است و هرچه این دید مثبت‌تر و تحمل فرد برای ریسک بالاتر باشد، قصد کارآفرینی این افراد بیشتر خواهد بود. افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی به‌علت دارا بودن دو ویژگی تکانش‌گری و بی‌توجهی تمایل به سطح بالاتری از برانگیختگی دارند (Sikström & Söderlund, 2007; Geissler et al., 2014)، این نیاز به برانگیختگی می‌تواند به تحمل عدم قطعیت، میل به سطوح بالاتری از تازگی طلبی و رفتار ریسک‌پذیر از طریق تمایل به پاداش‌های فوری، منجر شود (Faraone & Larsson, 2019; Greidanus & Liao, 2021; Moore et al., 2021)؛ بنابراین افراد با ویژگی اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی به‌راحتی می‌توانند اختلال خود را در محیط‌های متغیر و ناآرام مدیریت کنند (Wiklund et al., 2018). در مجموع با توجه به یافته‌های به‌دست آمده می‌توان استدلال کرد فردی که دارای اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی است به‌علت تمایل برای کشف ناشناخته‌ها و میل به ایجاد نوآوری و سازگاری با محیط پرتلاطم و ناآرام کارآفرینی، بهتر و بیشتر می‌تواند از ریسک‌پذیری خود به نفع قصد کارآفرینانه بهره‌گیرد.

## پیشنهادها

با توجه به نتایج به‌دست آمده از رابطه بین قابلیت‌های شناختی سه‌گانه خودباوری، هوشیاری و ریسک‌پذیری با قصد کارآفرینانه پیشنهاد می‌گردد:

دوره‌های آموزشی در جهت افزایش مهارت‌های کارآفرینانه فنی و غیر فنی به‌صورت هدفمند برای دانشجویانی که درصدد راه‌اندازی کسب‌وکار هستند برگزار گردد و زمینه ترغیب دانشجویان برای یادگیری این مهارت‌ها فراهم گردد.

از آنجا که اطلاعات، نقطه شروع شکل‌گیری و بهره‌گیری از هوشیاری در جهت شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه است، زمینه مواجهه و دستیابی دانشجویان به اطلاعات مرتبط با دنیای کسب‌وکار و کارآفرینی به‌واسطه دسترسی به پایگاه‌های داده، مجلات بازرگانی، شرکت در رویدادهای کارآفرینانه، ملاقات با کارآفرینان و فعالین حوزه کسب‌وکار و غیره، فراهم گردد.

زمینه آشنایی و فراگیری مواجهه با شرایط مخاطره‌آمیز دنیای کسب‌وکار با تکنیک‌های تحلیل ریسک، استراتژی‌های کسب‌وکار در شرایط ریسک و عدم اطمینان، تحلیل نمونه‌های دنیای واقعی، موقعیت‌های شبیه‌سازی شده فراهم گردد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از نقش تعدیل‌گر اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی توصیه می‌شود طراحی و برگزاری دوره‌های آموزشی برای افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی با در نظر گرفتن ملاحظات روان‌شناختی ویژه این افراد صورت گیرد. توصیه می‌شود آموزش راهبری شغلی به‌ویژه در ارتباط با کارآفرینی از دوران کودکی و نوجوانی برای این افراد برنامه‌ریزی شود. در دانشگاه‌ها نیز زمینه آموزش‌های مرتبط با در نظر گرفتن ملاحظات رفتاری ویژه این افراد طراحی، برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی شود. امکان راهبری مسیر کارآفرینانه افراد مبتلا به اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی با موافقت خود آنان و با حمایت و پشتیبانی متخصصین حوزه سلامت روان‌شناختی صورت گیرد. تدوین برنامه‌های مربیگری و مشاوره‌ای بلندمدت برای این افراد می‌تواند در طول زمان در فرایند کارآفرینی حمایت لازم را فراهم آورد. سازمان‌ها می‌توانند با حمایت متناسب از این افراد موانع و چالش‌های موجود بر سر راهشان را هموارتر کنند. خلاقیت و نبوغ این افراد می‌تواند برای سازمان سودمند باشد. ایجاد اقداماتی برای کاهش تبعیض علیه افراد مبتلا به علائم اختلال کم‌توجهی / بیش‌فعالی می‌تواند اجازه دهد تا نقاط قوت آن‌ها توسعه یافته و در خدمت سازمان به‌کار گرفته شود.

## References

- Adomako, S., Danso, A., Uddin, M., & Damoah, J. O. (2016). Entrepreneurs' optimism, cognitive style and persistence. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 22 (1), 84-108. doi:10.1108/IJEBR-07-2015-0158

- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational behavior and human decision processes*, 50 (2), 179-211. [doi:10.1016/0749-5978\(91\)90020-T](https://doi.org/10.1016/0749-5978(91)90020-T)
- Alvarez, R. D., DeNoble, A. F. & Jung, D. (2006). *Educational curricula and self-efficacy: entrepreneurial orientation and new venture intentions among university students in Mexico*. in *Developmental Entrepreneurship: Adversity, Risk, and Isolation*, Emerald Group Publishing, 379-403. [doi: 10.1016/S1074-7877\(06\)05019-7](https://doi.org/10.1016/S1074-7877(06)05019-7)
- Antoncic, J. A., Antoncic, B., Gantar, M., Hisrich, R. D., Marks, L. J., Bachkirov, A. A., Li, Z., Polzin, P., Borges, J. L., & Coelho, A. (2018). Risk-taking propensity and entrepreneurship: The role of power distance. *Journal of Enterprising Culture*, 26 (01), 1-26. [doi: 10.1142/S0218495818500012](https://doi.org/10.1142/S0218495818500012)
- Antshel, K. M. (2018). Attention deficit/hyperactivity disorder (ADHD) and entrepreneurship. *Academy of Management Perspectives*, 32 (2), 243-265. [doi: 10.5465/amp.2016.0144](https://doi.org/10.5465/amp.2016.0144)
- Ardichvili, A., Cardozo, R., & Ray, S. (2003). A theory of entrepreneurial opportunity identification and development. *Journal of business venturing*, 18 (1), 105-123. [doi: 10.1016/S0883-9026\(01\)00068-4](https://doi.org/10.1016/S0883-9026(01)00068-4)
- Auzoult, L., Lheureux, F., & Abdellaoui, S. (2016). Are entrepreneurial intentions self-regulated? Self-consciousness, core self-evaluations and entrepreneurial intentions of higher education students. *The Spanish Journal of Psychology*, 19. [doi: 10.1017/sjp.2016.42](https://doi.org/10.1017/sjp.2016.42)
- Bandura, A. (1989). Human agency in social cognitive theory. *American psychologist*, 44 (9). [doi:10.1037/0003-066X.44.9.1175](https://doi.org/10.1037/0003-066X.44.9.1175)
- Barkley, R. A. (1997). Behavioral inhibition, sustained attention, and executive functions: constructing a unifying theory of ADHD. *Psychological bulletin*, 121 (1). [doi:10.1037//0033-2909.121.1.65](https://doi.org/10.1037//0033-2909.121.1.65)
- Barkley, R. A., Murphy, K. R., & Fischer, M. (2008). *ADHD in adults: What the science says*. New York, NY: Guilford.
- Barkley, R. A., Murphy, K. R., & Fischer, M., (2007). *The Science of ADHD in Adults: Clinic-Referred Adults vs. Children Grown up*. Guilford, New York.
- Baron, R. A. (2004). The cognitive perspective: a valuable tool for answering entrepreneurship's basic "why" questions. *Journal of business venturing*, 19 (2), 221-239. [doi:10.1016/S0883-9026\(03\)00008-9](https://doi.org/10.1016/S0883-9026(03)00008-9)
- Behrouz, M., & Kazemi, M. (2023). Investigating the Effect of Entrepreneurial Passion Mediated by the Entrepreneurial Self-Efficacy on the Entrepreneurial Intention of Women Entrepreneurs: The Mediating Role of Cinderella Syndrome. *Education and Management of Entrepreneurship*, 2 (1), 21-40. [doi:10.22126/eme.2023.9098.1026](https://doi.org/10.22126/eme.2023.9098.1026)
- Boyd, N. G., & Vozikis, G. S. (1994). The influence of self-efficacy on the development of entrepreneurial intentions and actions. *Entrepreneurship theory and practice*, 18 (4), 63-77. [doi:10.1177/104225879401800404](https://doi.org/10.1177/104225879401800404)
- Brinckmann, J., & Kim, S. (2015). Why we plan: The impact of nascent entrepreneurs' cognitive characteristics and human capital on business planning. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 9, 153-166. [doi:10.1002/sej.1197](https://doi.org/10.1002/sej.1197)
- Brockhaus, R. H. (1980). Risk taking propensity of entrepreneurs. *Academy of management Journal*, 23 (3), 509-520. [doi:10.5465/255515](https://doi.org/10.5465/255515)
- Brockner, J., & Guare, J., (1983). Improving the performance of low self-esteem individuals: an attributional approach. *Acad. Manag. J.*, 26 (4), 642-656. <https://doi.org/10.5465/255912>
- Caliendo, M., Kritikos, A. S., Rodriguez, D., & Stier, C. (2023). Self-efficacy and entrepreneurial performance of start-ups. *Small Business Economics*, 61 (3), 1027-1051. [doi:10.1007/s11187-022-00728-0](https://doi.org/10.1007/s11187-022-00728-0)
- Canits, I., Bernoster, I., Mukerjee, J., Bonnet, J., Rizzo, U., & Rosique-Blasco, M. (2019). Attention-deficit/hyperactivity disorder (ADHD) symptoms and academic entrepreneurial preference: is there an association?. *Small Business Economics*, 53, 369-380. [doi:10.1007/s11187-018-0057-x](https://doi.org/10.1007/s11187-018-0057-x)
- Chen, C. C., Greene, P. G., & Crick, A. (1998). Does entrepreneurial self-efficacy distinguish entrepreneurs from managers?. *Journal of business venturing*, 13 (4), 295-316. [doi:10.1016/S0883-9026\(97\)00029-3](https://doi.org/10.1016/S0883-9026(97)00029-3)
- Darini, M., & Aghajani, A. A. (2022). The role of entrepreneurship education in students' entrepreneurial intention with mediating role of self-efficacy, attitude to entrepreneurship and entrepreneurial mentality (case study). *Journal of Research in Educational Institutions*, 16 (56), 131-145. [doi:10.1016/j.heliyon.2020.e04922](https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e04922)
- Davidsson, P. (2015). Entrepreneurial opportunities and the entrepreneurship nexus: A re-conceptualization. *Journal of business venturing*, 30 (5), 674-695. [doi:10.1016/j.jbusvent.2015.01.002](https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2015.01.002)
- De Noble, A. F., Jung, D., & Ehrlich, S. B. (1999). *Entrepreneurial self-efficacy: The development of a measure and its relationship to entrepreneurial action*. In P. Reynolds, W. Bygrave, S. Manigart, C. Mason, G. Meyer, H. Sapienza, & K. Shaver (Eds.), *Frontiers of entrepreneurship research* (pp. 73-87). Wellesley, MA: Babson College.

- Dheer, R. J., & Castrogiovanni, G. J. (2023). Cognitive adaptability's impact on entrepreneurial intent: The mediating roles of entrepreneurial passion and efficacy. *Journal of Business Research*, 160, 113798. [doi:10.1016/j.jbusres.2023.113798](https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2023.113798)
- Dimakos, J., Gauthier-Gagné, G., Lin, L., Scholes, S., & Gruber, R. (2024). The associations between sleep and externalizing and internalizing problems in children and adolescents with attention-deficit/hyperactivity disorder: empirical findings, clinical implications, and future research directions. *Psychiatric Clinics*, 47 (1), 179-197. [doi:10.1016/j.psc.2023.06.012](https://doi.org/10.1016/j.psc.2023.06.012)
- Dimic, N., & Orlov, V. (2014). Entrepreneurial tendencies among people with ADHD. *International Review of Entrepreneurship*, 13 (3), 187-204. [doi:10.2139/ssrn.2405366](https://doi.org/10.2139/ssrn.2405366)
- Douglas, E. and Shepherd, D.A. (2002). Self-employment as a career choice: attitudes, entrepreneurial intentions, and utility maximization. *Entrepreneurial Theory and Practice*, 26 (3), 81-90. [doi:10.1177/104225870202600305](https://doi.org/10.1177/104225870202600305)
- Drnovšek, M., Wincent, J., & Cardon, M. S. (2010). Entrepreneurial self-efficacy and business start-up: developing a multi-dimensional definition. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 16 (4), 329-348. [doi: 10.1108/13552551011054516](https://doi.org/10.1108/13552551011054516)
- Dude, S. A., & Mulyadi, H. (2024). The mediating role of entrepreneurial attitude on the effect of risk-taking willingness on entrepreneurial intention using family background as a control variable. *Jurnal Pendidikan Ilmu Sosial*, 34 (1), 73-91.
- Faraone, S. V., & Larsson, H. (2019). Genetics of attention deficit hyperactivity disorder. *Molecular psychiatry*, 24 (4), 562-575. [doi:10.1038/s41380-018-0070-0](https://doi.org/10.1038/s41380-018-0070-0)
- Fletcher, J. M. (2014). The effects of childhood ADHD on adult labor market outcomes. *Health Economics*, 23 (2), 159-181. [doi:10.1002/hec.2907](https://doi.org/10.1002/hec.2907)
- Florin, J., Karri, R., & Rossiter, N. (2007). Fostering entrepreneurial drive in business education: An attitudinal approach. *Journal of management education*, 31 (1), 17-42. [doi:10.1177/1052562905282023](https://doi.org/10.1177/1052562905282023)
- Gaglio, C. M. (2004). The role of mental simulations and counterfactual thinking in the opportunity identification process'. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 28, 533-52. [doi:10.1111/j.1540-6520.2004.00063.x](https://doi.org/10.1111/j.1540-6520.2004.00063.x)
- Gaglio, C. M., & Katz, J. A. (2001). The psychological basis of opportunity identification: Entrepreneurial alertness. *Small business economics*, 16, 95-111. [doi:10.1023/A:1011132102464](https://doi.org/10.1023/A:1011132102464)
- Geissler, J., Romanos, M., Hegerl, U., & Hensch, T. (2014). Hyperactivity and sensation seeking as autoregulatory attempts to stabilize brain arousal in ADHD and mania?. *ADHD Attention Deficit and Hyperactivity Disorders*, 6, 159-173. [doi:10.1007/s12402-014-0144-z](https://doi.org/10.1007/s12402-014-0144-z)
- Giliad, B., Kaish, S., & Ronen, J. (1988). *The entrepreneurial way with information*. In S. Maital (Ed.), Applied behavioral economics (pp. 481-503). Wheatsheaf Books.
- Gish, J. J., Lerner, D. A., McKelvie, A., Wiklund, J., Van Witteloostuijn, A., & Wolfe, M. T. (2022). Entrepreneurship as an auspicious context for mental health research. *Journal of Business Venturing Insights*, [doi:10.1016/j.jbvi.2022.e00349](https://doi.org/10.1016/j.jbvi.2022.e00349)
- Greidanus, N. S., & Liao, C. (2021). Toward a coping-dueling-fit theory of the ADHD-entrepreneurship relationship: Treatment's influence on business venturing, performance, and persistence. *Journal of Business Venturing*, 36 (2). [doi:10.1016/j.jbusvent.2020.106087](https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2020.106087)
- Hammond, C. (2004). Impacts of lifelong learning upon emotional resilience, psychological and mental health: Fieldwork evidence. *Oxford Review of Education*, 30 (4), 551-568. [doi:10.1080/0305498042000303008](https://doi.org/10.1080/0305498042000303008)
- Hartsfield, M. K. (2003). *The internal dynamics of transformational leadership: Effects of spirituality, emotional intelligence, and self-efficacy*. Regent University. (Doctoral dissertation, Regent University).
- Hatak, I., Chang, M., Harms, R., & Wiklund, J. (2021). ADHD symptoms, entrepreneurial passion, and entrepreneurial performance. *Small business economics*, 57, 1693-1713. [doi:10.1007/s11187-020-00397-x](https://doi.org/10.1007/s11187-020-00397-x)
- Hsu, M. H., & Chiu, C., M. (2004). Internet self-efficacy and electronic service acceptance. *Decision Support Systems*, 38 (3), 369-381. [doi:10.1016/j.dss.2003.08.001](https://doi.org/10.1016/j.dss.2003.08.001)
- Iram, T., Bilal, A. R., Ahmad, Z., & Latif, S. (2022). Building a Conscientious Personality is Not Sufficient to Manage Behavioral Biases: An Effective Intervention for Financial Literacy in Women Entrepreneurs. *Journal of Vocational Behavior*. [doi:10.1177/22785337221114675](https://doi.org/10.1177/22785337221114675)
- Kessler, R. C., Lane, M., Stang, P. E., & Van Brunt, D. L. (2009a). The prevalence and workplace costs of adult attention deficit hyperactivity disorder in a large manufacturing firm. *Psychological Medicine*, 39, 137-147. [doi:10.1017/S0033291708003309](https://doi.org/10.1017/S0033291708003309)

- Kessler, R. C., Aguilar-Gaxiola, S., Alonso, J., Chatterji, S., Lee, S., & Ormel, J. (2009b). The global burden of mental disorders: an update from the WHO World Mental Health (WMH) surveys. *Epidemiology and Psychiatric Sciences*, 18 (1), 23-33. [doi:10.1017/S1121189X00001421](https://doi.org/10.1017/S1121189X00001421)
- Kirzner, I. (1979). *Perception, opportunity and profit: Chicago*, University of Chicago Press.
- Kirzner, I. M. (1973). *Competition and Entrepreneurship*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Lerner, D. A., Verheul, I., & Thurik, R. (2019). Entrepreneurship and attention deficit/hyperactivity disorder: a large-scale study involving the clinical condition of ADHD. *Small Business Economics*, 53, 381-392. [doi:10.1007/s11187-018-0061-1](https://doi.org/10.1007/s11187-018-0061-1)
- Liang, C. L. K., & Dunn, P. (2008). Are entrepreneurs optimistic, realistic, both or fuzzy? Relationship between entrepreneurial traits and entrepreneurial learning. *Academy of Entrepreneurship Journal*, 14 (1/2), 51. [doi:10.33168/JLISS.2024.0712](https://doi.org/10.33168/JLISS.2024.0712)
- Liñán, F. (2008). Skill and value perceptions: how do they affect entrepreneurial intentions?. *International entrepreneurship and management journal*, 4, 257-272. [doi:10.1007/s11365-008-0093-0](https://doi.org/10.1007/s11365-008-0093-0)
- Liñán, F., & Chen, Y.W. (2006). *Testing the entrepreneurial intention model on a two-country sample*. <https://ddd.uab.cat/record/44583>
- Liñán, F., & Chen, Y.W. (2009). Development and cross-cultural application of a specific instrument to measure entrepreneurial intentions. *Entrepreneurship Theory & Practice*, 33 (3), 593-617, [doi:10.1111/j.1540-6520.2009.00318.x](https://doi.org/10.1111/j.1540-6520.2009.00318.x)
- Liñán, F., Rodríguez-Cohard, J. C., & Rueda-Cantuche, J. M. (2011). Factors affecting entrepreneurial intention levels: a role for education. *International entrepreneurship and management Journal*, 7, 195-218. [doi:10.1007/s11365-010-0154-z](https://doi.org/10.1007/s11365-010-0154-z)
- Magnin, E., & Maurs, C. (2017). Attention-deficit/hyperactivity disorder during adulthood. *Revue neurologique*, 173 (7-8), 506-515. [doi:10.1016/j.neurol.2017.07.008](https://doi.org/10.1016/j.neurol.2017.07.008)
- Maheshwari, G., Kha, K. L., & Arokiasamy, A. R. A. (2022). Factors affecting students' entrepreneurial intentions: a systematic review (2005-2022) for future directions in theory and practice. *Management Review Quarterly*. [doi:10.1007/s11301-022-00289-2](https://doi.org/10.1007/s11301-022-00289-2)
- Malureanu, A., Panisoara, G., & Lazar, I. (2021). The relationship between self-confidence, self-efficacy, grit, usefulness, and ease of use of elearning platforms in corporate training during the COVID-19 pandemic. *Sustainability*, 13 (12), 6633. [doi:10.3390/su13126633](https://doi.org/10.3390/su13126633)
- Martins, J. M., Shahzad, M. F., & Xu, S. (2023). Factors influencing entrepreneurial intention to initiate new ventures: evidence from university students. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 12 (1), 63. [doi:10.1186/s13731-023-00333-9](https://doi.org/10.1186/s13731-023-00333-9)
- McGee, J. E., Peterson, M., Mueller, S. L., & Sequeira, J. M. (2009). Entrepreneurial self-efficacy: Refining the measure. *Entrepreneurship theory and practice*, 33 (4), 965-988. [doi:10.1111/j.1540-6520.2009.00304.x](https://doi.org/10.1111/j.1540-6520.2009.00304.x)
- Mitchell, R. K., Busenitz, L. W., Bird, B., Marie Gaglio, C., McMullen, J. S., Morse, E. A., & Smith, J. B. (2007). The central question in entrepreneurial cognition research. *Entrepreneurship theory and practice*, 31 (1), 1-27. [doi:10.1111/j.1540-6520.2007.00161.x](https://doi.org/10.1111/j.1540-6520.2007.00161.x)
- Montiel-Campos, H. (2021). Entrepreneurial alertness, innovation modes, and business models in small-and medium-sized enterprises: an exploratory quantitative study. *Journal of technology management & innovation*, 16 (1), 23-30. [doi:10.1108/IJOA-11-2022-3501](https://doi.org/10.1108/IJOA-11-2022-3501)
- Moore, C. B., McIntyre, N. H., & Lanivich, S. E. (2021). ADHD-related neurodiversity and the entrepreneurial mindset. *Entrepreneurship Education and Pedagogy*, 4 (1), 77-99. [doi:10.1177/1042258719890986](https://doi.org/10.1177/1042258719890986)
- Müller, A., & Parzych, D. (2018). *Determinants of entrepreneurial intentions at universities*. Warsaw University of Technology case. *Problemy Zarządzania*, (4/2018 (77)), 11-26. [doi: 10.7172/1644-9584.77.1](https://doi.org/10.7172/1644-9584.77.1)
- Newman, A., Obschonka, M., Schwarz, S., Cohen, M., & Nielsen, I. (2019). Entrepreneurial self-efficacy: A systematic review of the literature on its theoretical foundations, measurement, antecedents, and outcomes, and an agenda for future research. *Journal of Vocational Behavior*, 110, 403-419. [doi:10.1016/j.jvb.2018.05.012](https://doi.org/10.1016/j.jvb.2018.05.012)
- Nicolaou, N., Shane, S., Adi, G., Mangino, M., & Harris, J. (2011). A polymorphism associated with entrepreneurship: evidence from dopamine receptor candidate genes. *Small Bus. Econ.*, 36, 151-155. <https://doi.org/10.1007/s11187-010-9308-1>
- Otache, I., & Mahmood, R. (2015). Corporate entrepreneurship and business performance: The role of external environment and organizational culture: A proposed framework. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 6 (4 S3), 524-531. [doi:10.5901/mjss.2015.v6n4s3p524](https://doi.org/10.5901/mjss.2015.v6n4s3p524)

- Patel, P. C., Rietveld, C. A., & Verheul, I. (2021). Attention deficit hyperactivity disorder (ADHD) and earnings in later-life self-employment. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 45 (1), 43-63. [doi:10.1177/1042258719888641](https://doi.org/10.1177/1042258719888641)
- Rajah, N., Bamiatzi, V., & Williams, N. (2021). How childhood ADHD-like symptoms predict selection into entrepreneurship and implications on entrepreneurial performance. *Journal of Business Venturing*, 36 (3), 106091. [doi:10.1016/j.jbusvent.2021.106091](https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2021.106091)
- Ramezani, M. (2023). The impact of academic majors on entrepreneurial intention of agriculture students in Isfahan province. *Journal of Entrepreneurship Research*, 2 (3), 39-52. [In Persian]
- Rathore, K., Shaukat, S., Ali, K., & Haroon, A. (2015). The mediating impact of self-confidence on relationship of perceived formal support and entrepreneurial intention in the education sector of Pakistan. *International Journal of Management Research and Emerging Sciences*, 5 (1). [doi:10.56536/ijmres.v5i1.21](https://doi.org/10.56536/ijmres.v5i1.21)
- Remeikiene, C. S. (2013). Conceptualizing knowledge-based entrepreneurship networks: Perspectives from the literature. *Small Business Economics*, 41, 899-911. [doi:10.1007/s11187-013-9512-x](https://doi.org/10.1007/s11187-013-9512-x)
- Samydevan, V., Piaralal, S., Othman, A. K., & Osman, Z. (2015). Impact of psychological traits, entrepreneurial education and culture in determining entrepreneurial intention among pre-university students in Malaysia. *American Journal of Economics*, 5 (2), 163-167. [doi:10.5923/c.economics.201501.19](https://doi.org/10.5923/c.economics.201501.19)
- Shafiee, M., & Amiri, Z. (2024). Investigating the Impact of Entrepreneurial Alertness on Entrepreneurial Intention with the Moderating Role of Psychological Well-being Among Psychology Students. *Education and Management of Entrepreneurship*, 3 (1), 65-84. [In Persian]
- Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review*, 25 (1), 217-226. [doi:10.5465/amr.2000.2791611](https://doi.org/10.5465/amr.2000.2791611)
- Shen, F., Li, J., Li, L., He, X., Li, H., & Yang, S. (2025). Exploring the effect of students' engagement in entrepreneurship competitions on their entrepreneurial intention. *The International Journal of Management Education*, 23 (2). [doi:10.1016/j.ijme.2024.101103](https://doi.org/10.1016/j.ijme.2024.101103)
- Shiri, N., Mirakzadeh, A., & Zarafshan, K. (2022). Determinants of entrepreneurial behavior among Iranian students: a gender analysis. *Journal of Entrepreneurship Research*, 1 (1), 87-101. [In Persian]
- Shrestha, N. (2021). Factor analysis as a tool for survey analysis. *American Journal of Applied Mathematics and Statistics*, 9 (1), 4-11. [doi:10.12691/ajams-9-1-2](https://doi.org/10.12691/ajams-9-1-2)
- Sikström, S., & Söderlund, G. (2007). Stimulus-dependent dopamine release in attention-deficit/hyperactivity disorder. *Psychological review*, 114 (4), 1047-1075. <https://doi.org/10.1037/0033-295X.114.4.1047>
- Tamzini, K. (2024). ADHD Behavior and Entrepreneurial Behavior: The Mediating Role of Entrepreneurial Intention. *Jordan Journal of Business Administration*, 20 (4). [doi:10.35516/jjba.v20i4.13](https://doi.org/10.35516/jjba.v20i4.13)
- Tang, J., Kacmar, K. M. M., & Busenitz, L. (2012). Entrepreneurial alertness in the pursuit of new opportunities. *Journal of Business Venturing*, 27 (1), 77-94. [doi:10.1016/j.jbusvent.2010.07.001](https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2010.07.001)
- Tang, J., Baron, R. A., & Yu, A. (2021). Entrepreneurial alertness: Exploring its psychological antecedents and effects on firm outcomes. *Journal of Small Business Management*, 61 (6), 2879-2908. [doi:10.1080/00472778.2021.1945071](https://doi.org/10.1080/00472778.2021.1945071)
- Thomas, A. S., & Mueller, S. L. (2000). A case for comparative entrepreneurship: Assessing the relevance of culture. *Journal of International Business Studies*, 31, 287-301. [doi:10.1057/palgrave.jibs.8490906](https://doi.org/10.1057/palgrave.jibs.8490906)
- Thompson, E.R. (2009). Individual Entrepreneurial Intent: Construct Clarification and Development of an Internationally Reliable Metric. *Entrepreneurship Theory & Practice*, 33, 669-694. [doi:10.1111/j.1540-6520.2009.00321.x](https://doi.org/10.1111/j.1540-6520.2009.00321.x)
- Tipu, S. A. A. (2017). Entrepreneurial risk taking: themes from the literature and pointers for future research. *International Journal of Organizational Analysis*, 25 (3), 432-455. [doi:10.1108/IJOA-08-2015-0898](https://doi.org/10.1108/IJOA-08-2015-0898)
- Tsai, J. Y., Egelman, S., Cranor, L., & Acquisti, A. (2011). The effect of online privacy information on purchasing behavior: An experimental study. *Information systems research*, 22 (2), 254-268. [doi:10.1287/isre.1090.0260](https://doi.org/10.1287/isre.1090.0260)
- Tsang, E. W. (2001). Adjustment of mainland Chinese academics and students to Singapore. *International Journal of Intercultural Relations*, 25 (4), 347-372. [doi:10.1016/S0147-1767\(01\)00010-4](https://doi.org/10.1016/S0147-1767(01)00010-4)
- Tucker, R., Zuo, L., Marino, L. D., Lowman, G. H., & Sleptsov, A. (2021). ADHD and entrepreneurship: Beyond person-entrepreneurship fit. *Journal of Business Venturing Insights*, 15. [doi.org/10.1016/j.jbvi.2020.e00219](https://doi.org/10.1016/j.jbvi.2020.e00219)
- Verheul, I., Block, J., Burmeister-Lamp, K., Thurik, R., Tiemeier, H., & Turturea, R. (2015). ADHD-like behavior and entrepreneurial intentions. *Small Business Economics*, 45 (1), 85-101. [doi:10.1007/s11187-015-9642-4](https://doi.org/10.1007/s11187-015-9642-4)

- White, H. A. (2020). Thinking “outside the box”: Unconstrained creative generation in adults with attention deficit hyperactivity disorder. *The Journal of Creative Behavior*, 54 (2), 472-483. [doi:10.1002/jocb.382](https://doi.org/10.1002/jocb.382)
- Wiklund, J., Hatak, I., Patzelt, H., & Shepherd, D. A. (2018). Mental disorders in the entrepreneurship context: When being different can be an advantage. *Academy of Management Perspectives*, 32 (2), 182-206. [doi:10.5465/amp.2017.0063](https://doi.org/10.5465/amp.2017.0063)
- Wiklund, J., Patzelt, H., & Dimov, D. (2016). Entrepreneurship and psychological disorders how ADHD can be productively harnessed. *Journal of Business Venturing Insights*, 6, 14-20. [doi:10.1016/j.jbvi.2016.07.001](https://doi.org/10.1016/j.jbvi.2016.07.001)
- Wiklund, J., Yu, W., Tucker, R., & Marino, L. D. (2017). ADHD, impulsivity and entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 32 (6), 627-656. [doi:10.1016/j.jbusvent.2017.07.002](https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2017.07.002)
- Wismans, A., Thurik, R., Verheul, I., Torres, O. & Kamei, K. (2020). Attention-deficit hyperactivity disorder symptoms and entrepreneurial orientation: a replication note. *Applied Psychology: An International Review*, 69 (3), 1093-1112. <https://doi.org/10.1111/apps.12247>
- Wood, R., & Bandura, A. (1989). Social cognitive theory of organizational management. *Academy of Management Review*, 14 (3), 361-384. [doi:10.2307/258173](https://doi.org/10.2307/258173)
- Young, C. A., Mills, R., Rog, D., Sharrack, B., Majeed, T., Constantinescu, C. S., & Tennant, A. (2021). Quality of life in multiple sclerosis is dominated by fatigue, disability and self-efficacy. *Journal of the neurological sciences*, 426, 117437. [doi:10.1016/j.jns.2021.117437](https://doi.org/10.1016/j.jns.2021.117437)
- Yu, W., & Tran, M. H. (2023). ADHD And Entrepreneurial Entry: Privilege Of Smart Men?. *Frontiers of Entrepreneurship Research*, 43.
- Yu, W., Wiklund, J., & Perez-Luno, A. (2018). ADHD symptoms, entrepreneurial orientation (EO) and firm performance. *Academy of Management Proceedings*, 2018 (1), 15046. [doi:10.5465/AMBPP.2018.51](https://doi.org/10.5465/AMBPP.2018.51)
- Yu, W., Wiklund, J., & Pérez-Luño, A. (2021). ADHD symptoms, entrepreneurial orientation (EO), and firm performance. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 45 (1), 92-117. [doi:10.1177/1042258719892987](https://doi.org/10.1177/1042258719892987)
- Zhang, P., Wang, D. D., & Owen, C. L. (2015). A study of entrepreneurial intention of university students. *Entrepreneurship Research Journal*, 5 (1), 61-82. [doi:10.1515/erj-2014-0004](https://doi.org/10.1515/erj-2014-0004)
- Zhao, H., Seibert, S. E., & Hills, G. E. (2005). The mediating role of self-efficacy in the development of entrepreneurial intentions. *Journal of applied psychology*, 90 (6), 1265. [doi:10.1037/0021-9010.90.6.1265](https://doi.org/10.1037/0021-9010.90.6.1265)
- Zhou, R., Rashid, S. M., & Cheng, S. (2024). Entrepreneurship education in Chinese higher institutions: Challenges and strategies for vocational colleges. *Cogent Education*, 11 (1). [doi:10.1080/2331186X.2024.2375080](https://doi.org/10.1080/2331186X.2024.2375080)